



چالش‌های آموزش بزرگسالان و راهکارهایی جهت بهبود: پژوهش زمینه‌ای^۱

سیده گل‌افروز رضوانی،^۲ امید مهنی،^۳ نعمت‌الله عزیزی^۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌های پیشروی آموزش بزرگسالان و راهکارهایی جهت بهبود آن انجام شده است. محقق جهت دستیابی به هدف پژوهش از روش کیفی نظریه‌زمینه‌ای استفاده کرده است. مشارکت‌کنندگان تحقیق صاحب‌نظران و متخصصان موضوعی آموزش بزرگسالان، گروه‌های مرجع محلی، مدیران و کارشناسان سازمان نهضت سوادآموزی مناطق و شهرستان‌های استان فارس، مدیران و کارشناسان اداره کل آموزش و پرورش استان فارس، آموزش‌دهندگان و سوادآموزان بودند که مصاحبه با استفاده از «رویکرد هدفمند»، با «روش گلوله برفی» و استفاده از «معیار اشباع نظری» با ۷۲ نفر به عنوان نمونه صورت گرفت. روش گردآوری اطلاعات انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها براساس فرایند نظریه‌داده‌بنیاد، طی مراحل سه‌گانه کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) به ترتیب ۵۰۹ کد باز، ۹۹ مفهوم و ۱۴ مقوله استخراج شد. در مرحله نهایی نیز مقولات در ذیل مؤلفه‌های اساسی نظریه‌داده‌بنیاد شامل مقوله محوری (چالش‌های پیش روی نهضت سوادآموزی)، شرایط علی (مشکلات محتوایی دروس، مشکلات آموزشی و مشکلات اقتصادی سوادآموزان)، شرایط محیطی (مشکلات ساختاری سازمان نهضت سوادآموزی)، شرایط واسطه‌ای

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۶

۲. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران، (نویسنده مسئول)؛
ایانامه: afsaneramezani955@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛ ایانامه: O.Mehni@hotmail.com

۴. استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران؛ ایانامه: N.Azizi@uok.ac.ir



(موانع فرهنگی، مشکلات مربوط به آموزش دهندگان و مشکلات مربوط به سوادآموزان)، راهبردها (اصلاح محتوای درسی برای سوادآموزان، اقدامات قانونی، ارائه تسهیلات به آموزش دهندگان، افزایش منابع، امکانات و تسهیلات و اصلاح و تجدیدنظر دوره‌های آموزشی) و پیامدها (تسریع در روند توسعه) قرار گرفتند. با توجه به یافته‌های حاصل از الگوی پارادایمی پژوهش، می‌توان گفت سازمان نهضت سوادآموزی باید عوامل زمینه‌ای، محیطی و علی حاصل از پژوهش حاضر را در نظر داشته باشد و در بازبینی مجدد برنامه‌های پیش رو عوامل به مورد اشاره در برنامه‌ریزی خود توجه کند. نکته قابل توجه این است که سازمان نهضت سوادآموزی و مراکز سوادآموزی در سطح خرد و کلان، با عوامل زمینه‌ای، محیطی و علی مورد اشاره پژوهش حاضر روبرو هستند و از طرفی در برنامه‌های جاری خود به صورت جدی بدان توجهی نشده و حتی راهبردهایی که در پژوهش حاضر بدان اشاره شده است نیز تحت تاثیر این عوامل خواهند بود.

کلید واژه‌ها: آموزش بزرگسالان، سوادآموزی، سوادآموزان، آموزشیاران.

۱. مقدمه

جامعه به عنوان سیستم پویا و در حال تکامل برای بقا و دوام خود نیاز به بازتولید دائمی نیروهای متخصص برای مشاغل مختلف و رفع نیازهای جامعه دارد. امروزه فراگیری مشاغل به دلیل پیچیده بودن نیازمند آموزش است (شایگان، ۱۳۸۸: ۳۶۳)؛ بر این اساس امروزه آموزش سوادآموزی به عنوان یک عامل کلیدی برای رشد اقتصادی، ارتقای مهارت شغلی افراد و مهارت‌های زندگی اهمیت یافته است (Neumark et al, 2011: 96). برنامه‌ریزی سوادآموزی با این تصور بنا شده که بزرگسالان بی‌سواد باسواد شوند و این مفهوم به وضوح در ادبیات گسترده آموزش سواد بزرگسالان بیان شده است (Barakat, 2016: 244). زیرا آموزش بزرگسالان یک پدیده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است (Ilona&Hubackova, 2014: 397).

بنابراین یکی از شاخص‌های رشد در جوامع متمدن، میزان بهره‌مندی مردم آن کشور از حداقل سواد خواندن و نوشتن و یکی از نیازهای بشر دستیابی به اطلاعات به منظور کسب آگاهی و شناخت و استفاده از آن برای بهتر زیستن است (خادمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۴). با این وصف، بدیهی است که مبارزه با بی‌سوادی نه تنها در مقوله توسعه فرهنگی به عنوان نخستین گام قلمداد می‌شود، بلکه در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز حائز اهمیت ویژه‌ای است. هرچه افراد جامعه به سمت باسواد شدن پیش روند، به یقین سیر تحول و رویکرد آن جامعه به سمت مفهوم توسعه تسریع خواهد یافت. قدرت آموزش بزرگسالان طیف گسترده‌ای از حوزه‌ها در زندگی افراد را شامل می‌شود و بر انواع محیط‌های مختلف از خانواده تا محل کار و... تأثیرگذار است (UNESCO, 1997: 1). بر این اساس در ۳۰ سال گذشته، تصمیم‌گیرندگان اتحادیه اروپا به آموزش سواد جهت توسعه رقابت و اشتغال، نقش



فعال شهروندی و توسعه فردی توجه داشته‌اند و در سراسر اروپا عنایت ویژه‌ای به آموزش بزرگسالان به عنوان جمعیت فعال می‌شود (Dimitrescu et al, 2015: 1162).

امروزه کشورهای مترقی دستیابی به فرهنگ و تمدن پیشرفته خود را مدیون عملکرد موفقیت‌آمیز علمی می‌دانند و می‌کوشند تا استعدادها بالقوه جوانانشان را بارور سازند (شاوران و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۹). در این راستا در طول دهه گذشته، تغییرات مهمی در سیاست‌های آموزش بزرگسالان و آموزش مداوم در بسیاری از کشورها در سراسر جهان رخ داده است (Aksakal & Kazu, 2015: 236). اما علی‌رغم اینکه اجتماع جهانی برای محو بی‌سوادی از سال ۲۰۲۰ م آغاز شده و کشورها تلاش فزاینده‌ای را برای کاهش خسارات ناشی از بی‌سوادی سامان داده‌اند، لیکن براساس آخرین گزارش توسعه انسانی ملل متحد در سال ۲۰۰۰ م بیش از ۷۷ میلیون نفر در دنیا از نعمت سواد بی‌بهره‌اند و جوامع جهانی آثار بی‌سوادی را در قالب فقر اقتصادی و فرهنگی، بالا بودن نرخ مرگ و میر، بزهکاری، ناامنی، اعتیاد، طلاق، فروپاشی خانواده‌ها و... تحمل می‌کنند (باقرزاده، ۱۳۹۱). به این دلایل، در دهه‌های گذشته سوادآموزی بزرگسالان مورد توجه پژوهش‌های علمی و سازمان‌های جهانی قرار گرفته است. برای نمونه در اجلاس جهانی تعلیم و تربیت داکار^۵ به سواد به عنوان هدفی اشاره شده است که در تمام کشورها باید به آن پرداخته شود. در این اعلامیه بر شش هدف در زمینه تعلیم و تربیت تأکید شده که دو مورد از این اهداف به آموزش سواد در بزرگسالان مربوط است. هدف چهارم اشاره به سوادآموزی بزرگسالان دارد و هدف ششم نیز خواندن و نوشتن و ریاضیات را به عنوان بخشی از برنامه‌های تعلیم و تربیت بزرگسالان در برمی‌گیرد (Kim et al, 2008: 435).

با وجود اینکه سال‌های متمادی، برنامه‌های مبارزه با بی‌سوادی به صورت مختلف در اغلب کشورهای جهان سوم رونق داشته ولی به دلیل رشد جمعیت بر تعداد بی‌سوادان افزوده شده است. در کشور ما نیز براساس آمارهای سازمان نهضت سوادآموزی و مرکز آمار ایران وضعیت سوادآموزی مناسب نیست چون از میان جمعیت ۷۰ میلیونی کشور سطح سواد حدود ۳۰ میلیون نفر حداکثر تا دوره راهنمایی است. از این میان بنا به گزارش سازمان نهضت سوادآموزی کشور ۹ میلیون و ۷۱۹ هزار نفر بی‌سواد مطلق در کل کشور داریم که از این تعداد ۳ میلیون و ۴۵۶ هزار نفر در گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال و حدود ۶ میلیون نفر نیز بالای ۵۰ سال هستند. تمامی این آمارها در شرایطی گزارش شده است که نهضت سوادآموزی در کشور فعالیت می‌کند و تا پایان برنامه پنجم توسعه، بی‌سوادی در گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال باید ریشه کن می‌شد. از سوی دیگر درصدی از کم‌سوادان در طول زمان به بی‌سوادی مطلق

5. Dakar



بازگشت می‌کنند و این موضوع باز هم جمعیت بی‌سواد مطلق در کشور را افزایش می‌دهد (باقرزاده، ۱۳۹۳). در این راستا سازمان نهضت سوادآموزی فعالیت‌ها و برنامه‌های متعددی را در خصوص کاهش میزان بیسوادی در کشور انجام داده و طی مدت فعالیت خود توانسته است با اعزام آموزشیاران مبارزه با جهل در اغلب روستاها و شهرهای کشور حضور یابد و با آموزش آن‌ها برای بالا رفتن سطح آگاهی و بینششان، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان را نیز ارتقا بخشد (ابراهیمیان و کیاسرشت، ۱۳۸۹: ۳). دربارهٔ فعالیت‌های مناسب سازمان نهضت سوادآموزی می‌توان گفت که در اوایل تأسیس نهضت سوادآموزی حدود ۵۲ درصد از مردم کشور بی‌سواد بودند اما این آمار اکنون به ۸ درصد رسیده است. بنابراین می‌توان این‌گونه دریافت که نهضت سوادآموزی نقش مهمی را در این راستا ایفا کرده است؛ همچنین گزارش سال ۲۰۱۴ یونسکو در خصوص سطح سوادآموزی کشورها نشان داد که در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ کشور ما از گروه کشورهای بی‌سوادانه که رسیدن به هدفشان در سال ۲۰۱۵ خیلی دور ارزیابی شده بود، به گروه کشورهای منتقل شد که رسیدن به هدف‌های آموزش برای آنها دور نیست. اما با وجود همه اقدامات و براساس آمار مرکز ایران، هنوز ۹ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در کشور بی‌سواد هستند و ۱۱ میلیون نفر نیز حداکثر تا پنجم ابتدایی تحصیل کرده‌اند. همچنین در سند چشم‌انداز بیست‌ساله نیز باید رتبه نخست در منطقه را داشته باشیم ولی اکنون بین ۲۴ کشور منطقه در رتبه ۱۷ هستیم و میان ۱۸۲ کشور جهان نیز ۱۱۰ که این رضایت‌بخش نیست. شرایط و آمار اعلام شده موجود ضرورت تلاش بیشتر و شناسایی مسائل و مشکلات نهضت سوادآموزی را در این زمینه عیان می‌کند (مهدی زاده، ۱۳۹۴).

با توجه به آنچه بیان شد و همچنین با توجه به اینکه بیش از سه دهه از فعالیت سازمان نهضت سوادآموزی در کشور از جمله در استان فارس می‌گذرد و از حاصل تلاش‌ها، تدابیر اتخاذ شده از سوی مسئولان و مجریان سوادآموزی و آموزش بزرگسالان، دستاوردها و موفقیت‌هایی به دست آمده اما مانند سایر مناطق کشور، استان فارس نیز در زمینهٔ اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های سوادآموزی با مسائل و مشکلاتی روبرو بوده و این مسائل موجب شده است که این برنامه‌ها به طور مناسب اجرا نشوند و همچنین اثربخشی لازم را نداشته باشد. بنابراین با درک اهمیت این مسأله، پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌های پیش روی آموزش بزرگسالان انجام می‌شود تا برای تصمیم‌گیری‌های بهینه در اختیار مسوولان قرار گیرد. در راستای هدف مذکور سؤال‌های پژوهش حاضر به شرح زیر است:

۱. چالش‌ها و آسیب‌های موجود در سیستم نهضت سوادآموزی متأثر از چه عواملی است؟
۲. چه رویه‌های قابل‌اجرایی برای اصلاح حوزه‌های چالش‌دار می‌توان در نظر گرفت؟
۳. در صورت اصلاح و به‌کارگیری رویه‌های مذکور نهضت سوادآموزی چه پیامدهایی



را به دنبال خواهد داشت؟

۲. روش‌شناسی پژوهش

۱.۲. روش پژوهش

در این بخش از مطالعه با توجه به هدف پژوهش و لزوم در نظر گرفتن «چالش‌های آموزش بزرگسالان و راهکارهایی جهت بهبود»، محقق از روش کیفی نظریه داده‌بنیاد استفاده کرد. نظریه داده‌بنیاد روشی نظام‌مند و کیفی برای خلق نظریه‌ای است که در سطحی گسترده به تبیین فرآیند، کنش یا کنش متقابل موضوعی با هویت مشخص می‌پردازد (Creswell, 2009: 7).

۲.۲. مشارکت کنندگان پژوهش

صاحب‌نظران و متخصصان موضوعی آموزش بزرگسالان، گروه‌های مرجع محلی، مدیران و کارشناسان سازمان نهضت سوادآموزی مناطق و شهرستان‌های استان فارس، مدیران و کارشناسان اداره کل آموزش و پرورش استان فارس، آموزش‌دهندگان و سوادآموزان مشارکت کنندگان این پژوهش بودند که با استفاده از «رویکرد هدفمند» و با «روش انتخاب صاحب‌نظران کلیدی و گلوله برفی» و استفاده از «معیار اشباع نظری» در نهایت ۷۲ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. به این ترتیب که بر اساس روش ذکر شده، نمونه‌گیری از صاحب‌نظران، متخصصان موضوعی و گروه‌های مرجع محلی با ۹ نفر انتخابی و نمونه‌گیری از مدیران و کارشناسان سازمان مرکزی نهضت سوادآموزی با ۴ نفر انتخابی مصاحبه نیمه‌ساختار یافته انجام شد. همچنین با توجه به نوع تحقیق و اینکه آموزشیاران نهضت قاعداً باید صاحب‌نظر باشند تا بتوانند به درستی پیشنهادهایی درباره نیازهای آموزشی سوادآموزان ارائه دهند، از مسئولان نهضت استان فارس خواسته شد تا آموزش‌دهندگان خوش‌فکر و صاحب‌نظر را در هر منطقه معرفی کنند که در مجموع ۹ نفر آموزش‌دهنده برتر در سطح استان فارس معرفی شد و با آنها مصاحبه نیمه‌ساختار یافته صورت گرفت. برای نمونه‌گیری از مدیران و کارشناسان ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌ها و مناطق استان فارس نیز از روش نمونه‌گیری سرشماری استفاده شد که جمعاً ۷۸ نفر بودند و به دلیل کمیت آن‌ها همه ۷۸ نفر انتخاب شدند (که از این تعداد ۳۱ نفر پاسخ دادند). انتخاب سوادآموزان نیز با انتخاب آموزش‌دهندگان ارتباط داشت. به این معنا که از تمامی آموزش‌دهندگان که از جامعه اول انتخاب شده بودند خواسته شد که از بین سوادآموزان، سوادآموزی را معرفی کنند که موفق‌تر و دارای قدرت بیان در طرح نیازهای آموزشی خود در این دوره‌ها بود. در مجموع ۱۸ سوادآموز معرفی شد (ذکر شده در جدول ۱).

۲.۳. روش گردآوری داده‌ها



در بخش کیفی پژوهش، جهت گردآوری داده‌ها از سنجه‌های غیرواکنشی (اسناد مختلفی همچون مقاله‌ها، نتایج پژوهش دیگران، گزارش‌ها و...) و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با آگاهی‌دهندگان کلیدی استفاده شد. در ابتدای مصاحبه، توضیحات کلی در مورد تحقیق و هدف‌های آن به مصاحبه‌شونده ارائه و سپس مصاحبه آغاز شد. از مصاحبه‌شوندگان درباره دیدگاهشان در مورد چالش‌های سازمان نهضت سوادآموزی و تحلیل‌شان از علل و عوامل اثرگذار بر عملکرد فرایند سوادآموزی افراد سؤال می‌شد. در حین مصاحبه، افراد سؤال‌ها یا ابهام‌های احتمالی خود را در مورد سؤال‌های مصاحبه و منظور دقیق پژوهشگر مطرح می‌کردند که پژوهشگر جواب مناسب را جهت رفع ابهام ارائه و مصاحبه ادامه پیدا می‌کرد. مدت زمان هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بود. نکات مطرح شده در روند انجام مصاحبه یادداشت می‌شد تا گاه با مرور چند باره گفتگوها، تحلیل و بررسی دقیق‌تری نسبت به دیدگاه‌های طرح شده مصاحبه‌شوندگان انجام شود.

۲.۴. شیوه تجزیه و تحلیل یافته‌ها

برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها از روش تحلیل داده‌بنیاد (کدگذاری آزاد یا باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی) استفاده شد. در کدگذاری باز متن هر مصاحبه چند بار خوانده شد و جمله‌های اصلی آن استخراج و به صورت کدهایی ثبت شدند. سپس کدهایی که به لحاظ مفهومی با یکدیگر مشابه بود، به صورت مقوله‌ها یا دسته‌هایی درآمدند. در کدگذاری محوری، کدها و دسته‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز ایجاد شدند، با یکدیگر مقایسه شدند و ضمن ادغام موارد مشابه، دسته‌هایی که به یکدیگر مربوط بودند، حول محور مشترکی قرار گرفت. این مرحله بر شرایطی متمرکز بود که به پدیده مورد نظر منجر شد. آن‌گاه کدگذاری انتخابی مشخص شد. در این مرحله، پژوهشگر ضمن تمرکز بر فرایندی که در داده‌ها نهفته است، توجه خود را به این امر معطوف کرد که کدام مقوله یا متغیر بیش از همه در داده‌ها تکرار شده و قادر است سایر متغیرها را به یکدیگر ارتباط دهد؛ و از این طریق کدگذاری انتخابی به صورت متغیر اصلی مشخص شد. به طور کلی سعی و تلاش محقق بر آن بود تا اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها را دسته‌بندی کند و با استخراج اشتراکات و تفاوت‌های آنها، به تعیین سطح نسبی نظرات مصاحبه‌شوندگان نسبت به هدف پژوهش و براساس کلیدواژه‌های ساخته شده در جریان تحقیق پرداخته شود.

۲.۵. اعتباریابی یافته‌های کیفی



برای بررسی اعتبار یافته‌های به دست آمده، از معیارهای اعتبارسنجی کیفی «قابل قبول بودن»^۶ و «قابل اعتماد بودن»^۷ و همچنین «ممیزی بیرونی»^۸ استفاده شد. برای بررسی معیار قابل قبول بودن یافته‌ها از روش‌های همسوسازی داده‌ها که با جمع‌آوری داده‌های کافی از منابع متعدد مانند صاحب‌نظران، منابع و مستندات علمی و پژوهشی، پیشینه‌های نظری و پژوهشی، خودبازبینی محقق و کنترل اعضای شرکت کننده در پژوهش و برای بررسی معیار مقابل اعتماد بودن آن نیز کلیه فرآیندها و مراحل در پژوهش طی شد. همچنین برای ممیزی بیرونی از ۲ نفر متخصص حوزه بزرگسالان و سوادآموزی که در خارج از تحقیق حاضر قرار داشتند در مورد صحت جنبه‌های مختلف پژوهش (از گردآوری تا تحلیل داده) نظر خواهی شد.

جدول ۱. مشخصات مشارکت کنندگان در تحقیق

روش انتخاب	تعداد نمونه	مشارکت کنندگان
گلوله برفی	۹ نفر	متخصصان حوزه آموزش بزرگسالان و گروه‌های مرجع محلی
گلوله برفی	۵ نفر	مدیران و کارشناسان نهضت سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان فارس
سرشماری	۷۸ نفر ^۱	مدیران و کارشناسان نهضت سوادآموزی مناطق و شهرستان‌های استان فارس
گلوله برفی	۹ نفر	آموزش دهندگان
گلوله برفی	۱۸ نفر	سوادآموزان
	۱۱۹ نفر	جمع کل نمونه
	۷۲ نفر	نمونه‌هایی نهایی

۳. یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از مصاحبه‌ها براساس فرایند نظریه داده بنیاد، طی مراحل سه گانه کدگذاری داده-بنیاد (باز، محوری و انتخابی) به ترتیب ۵۰۹ کد باز، ۹۹ مفهوم و ۱۴ مقوله استخراج شد. کدهای استخراج شده از مصاحبه‌ها در جدول ۲ نشان داده شده است.

- 6. Credibility
- 7. Dependability
- 8. External audit



جدول ۲. فرایند شکلدهی مفاهیم و مقولات

تعداد کدها	مفهوم	مقولات
۹	توجه بیشتر به جنبه‌های آموزشی نسبت به جنبه‌های عملی در محتواهای درسی	عوامل مربوط به محتوای دروس
۸	در نظر گرفتن مطالب مندرج شده یکسان برای همه گروه‌های سنی (۱۰-۴۹ ساله)	
۸	عدم تطابق سوالات امتحانی با محتوای کتاب و ثقیل بودن امتحانات پایانی	
۷	ارائه مطالب جزئی و حاشیه‌های در محتواهای درسی که چندان در زندگی سوادآموز کاربرد ندارد. به عنوان مثال: (بیان انواع و اقسام کرم‌ها در درس علوم)	
۹	عدم در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی در آموزش بزرگسالان	
۷	فقدان یک صفحه خالی بین دروس برای تمرین و تکلیف	
۷	فونت ریز محتوای درسی و مباحث	
۹	عدم مشارکت و همکاری تمامی دستگاه‌های متولی در تنظیم محتوای درسی به صورت استانی	
۹	زیاد بودن حجم کتاب‌های درسی در دوره‌ها	
۱۰	عدم درک و فهم نکات نگارشی	
۱۰	بیان شدن مباحث احکام پشت سرهم و به صورت فشرده	عوامل سیستمی
۸	مشکلات سیستمی راجع به بازماندگان از تحصیل که از نظر سیستمی باسواد ولی در واقع مدرک تحصیلی ندارند	
۱۰	خود اظهاری افراد به باسوادی در سرشماری‌ها با اینکه کاملاً بی‌سواد هستند.	
۹	وجود سوادآموزان آزاد که به عنوان سوادآموز پایگاه در سیستم شناخته می‌شوند	
۹	هزینه بردار بودن مدرسه بزرگسالان جهت ادامه تحصیل فارغ‌التحصیلان سوادآموزی	عوامل اقتصادی
۹	هزینه بردار بودن دوره‌های متفرقه و نبود آموز دهنده برای سوادآموزان در این دوره	

چالش‌های آموزش بزرگسالان و راهکارهایی جهت پژوهش زمینه‌ای



۱۱	وضعیت اشتغال و درآمدی افراد سواد آموز	عوامل آموزشی
۱۰	نبود مکان آموزشی مناسب برای آموزش	
۸	تلقی سوادآموزان به عنوان نیروهای متفرقه و اخلاصگر از جانب مدارس	
۹	فاصله زیاد بین دوره سوادآموزی و دوره انتقال	
۱۱	رفتن به دوره انتقال با وجود عدم کسب مهارت خواندن و نوشتن در دوره سوادآموزی	
۱۰	طولانی بودن فرآیند بازخورد و نتیجه امتحانات و مسابقات به سوادآموزان	
۱۱	نبود دوره‌های سوادآموزی راهنمایی و دبیرستان	
۹	محدود بودن ساعات تدریس و نبود فرصت پرسش و پاسخ برای سوادآموزان	
۹	محدودیت زمان آموزش در دوره‌های نهضت سوادآموزی (سه سال آموزشی به ۶ الی ۹ ماه محدود شده)	
۸	کوتاه بودن دوره‌های آموزشی نهضت سوادآموزی همراه با ارائه مفاهیم آموزشی زیاد و فشرده	
۱۰	عدم نظارت و ارزیابی کافی	
۱۰	نبود نیازسنجی از نیازهای آموزشی سوادآموزان به صورت متناوب و منظم با توجه به منطقه و جنسیت و...	
۹	شیوه آموزشی نامناسب آموزش دهندگان	
۸	عدم تطابق فرهنگ سنتی با فرهنگ علمی سوادآموزان	عوامل فرهنگی
۸	اکثریت کلاس‌های سوادآموزان را شهروندان افغانستانی تشکیل می‌دهند (از هر ده نفر ۶ نفر افغانستانی هستند) که این موجبات تبعیض و بی‌عدالتی را فراهم می‌کند.	
۱۰	مشکلات مربوط به لهجه و زبان سوادآموزان	
۹	ادعای باسواد کردن سوادآموز از طرف فرزندان در حالی که با روش تدریس در آموزش آشنایی ندارند	
۹	فرهنگ‌سازی نشدن دوره نهضت سوادآموزی و تمسخر بزرگسالان از جانب خانواده‌ها	



۱۱	عدم برگزاری دوره‌های منظم و تعریف شده به آموزش دهندگان جهت روش‌های تدریس با بزرگسالان، رفتار با بزرگسالان و درک نیازهای آنان	عوامل مربوط به آموزش دهندگان
۸	عدم انگیزه در آموزش دهندگان به خاطر بیمه نشدن و شرط دستمزد در ازای قبولی بی‌سواد یا کم‌سواد	
۱۰	عدم گذراندن دوره‌های تخصصی لازم توسط آموزش دهندگان	
۱۲	دیده نشدن آموزش دهندگان به عنوان یک معلم قابل احترام	
۱۱	عدم مدیریت صحیح آموزش دهندگان از طرف اداره آموزش و پرورش و در عین حال دریافت مالیات از دریافتی ناچیز آنها	
۱۰	عدم آشنایی آموزش دهندگان با روانشناسی و آموزش بزرگسالان و نیز تبصر در آموزش	
۱۰	نبوداطمینان و همدلی بین آموزش دهنده‌ها و مسئولان	
۱۰	نبود احساس نیاز سوادآموزان به یادگیری	عوامل مربوط به سوادآموزان
۹	وجود مشکلات مختلف سوادآموزان از جمله مشکلات مالی، بهداشتی و	
۱۰	عدم انگیزه در سوادآموزان	
۱۰	کندی حافظه در سوادآموزان با سنین بالا	
۹	طولانی بودن مسافت سوادآموزان در دوره‌های راهنمایی از محل زندگی (عدم تکثیر کلاس‌های آموزشی دوره راهنمایی در نقاط مختلف شهر)	
۸	نبود اجازه همسران سوادآموز برای ورود به دوره‌ها؛ به دلیل عدم مشاهده مهارت بارز در رفتار سوادآموز	
۱۲	مشکلات در جذب سوادآموز برای ورود به دوره‌ها	
۹	وجود سوادآموزان با مشکلات جسمی یا ذهنی	اقدامات قانونی
۹	اختصاص ساعاتی از کلاس درس برای آموزش مهارت‌های هنری توسط سوادآموزان به یکدیگر	
۹	بسته شدن راه‌های ورود به بی‌سوادی از ابتدا؛ به این ترتیب که دانش آموزان بازمانده از تحصیل در همان دوره ابتدایی پیگیری شوند	
۹	ترکیب کلاس‌های سوادآموزان ایرانی و افغانی	
۸	تفکیک گروه‌های سنی سوادآموزان به چهار دسته (۱۰-۲۰ ساله، ۲۰-۳۰ ساله، ۳۰-۴۰ ساله و ۴۰-۵۰ ساله بالا)	
۷	برداشتن شرط سنی برای دوره‌های نهضت سوادآموزی (به گونه‌ای که یک فرد ۵۰ یا ۵۱ ساله نیز بتواند ثبت نام کند)	



۱۲	استخدام شدن آموزش دهندگان	ارائه تسهیلات تشویقی به آموزش دهندگان
۱۳	بیمه شدن آموزش دهندگان	
۱۱	شناسایی سوادآموزان توسط آموزش و پرورش و معرفی به آموزش دهندگان	
۱۱	تدوین کتب درسی با توجه به نیازهای سوادآموزان به صورت کاربردی	اصلاح محتوای درسی سوادآموزان
۱۰	تدوین کتاب‌های درسی با توجه به شرایط سنی، نوع مهارت و شغل سوادآموزان	
۱۰	گنجاندن اطلاعات بیشتر در کتاب‌های درسی و حجیم‌تر کردن کتاب‌ها برای دوره‌های سنی پایین‌تر	
۹	قابل فهم‌تر و هضم‌تر بودن محتوای درسی با توجه به شرایط سنی و مهارت شغلی سوادآموز	
۸	گنجاندن مبحث «بخوانیم و بیندیشیم» در بدنه اصلی کتاب‌ها و در بین دروس به جای پایان کتاب‌ها	
۷	نگارش محتوای درسی با قلم‌های درشت	
۷	ارائه واحد درسی فعالیت‌های هنری در کنار سایر دروس	
۹	کاهش یافتن حجم کتاب‌های دوره انتقال از لحاظ تعداد کتاب و همچنین از لحاظ موضوعی	
۱۲	عرضه کتاب‌هایی به نام «روخوانی» که در آن زندگینامه بزرگان دین و کشور مانند امامان، شاعران، نویسندگان، بازیگران و ... باشد و بدون امتحان پایانی در اختیار سوادآموزان قرار گیرد.	
۱۰	شناسایی حرفه‌ها و فنون مورد نیاز با توجه به جنسیت و شرایط سنی سوادآموز و گنجاندن آن در قالب محتوای درسی	
۱۱	گنجاندن مهارت‌هایی در محتوای دوره‌های سوادآموزی که نتیجه‌زود هنگام داشته‌باشد	

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه و همچنین کدگذاری انجام شده، ابعاد ششگانه الگوی پارادایمی تحقیق به این شرح تشکیل شد:

۱. **شرایط علی.** در تحلیل‌های انجام شده در تحقیق حاضر، دو مقوله عوامل محتوایی دروس و عوامل آموزشی سوادآموزان به عنوان مقوله‌های علی شناخته شدند. مقوله اول، مشکلات محتوایی دروس است. بنا بر داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها یکی از مباحثی که به صورت جدی چالش اساسی را برای دوره‌های سوادآموزی ایجاد کرده، وضعیت دروس



و محتوای آموزشی این دوره‌هاست. پیرامون با این مقوله می‌توان به مفاهیم مهمی از جمله وجود کتاب‌هایی با محتوا و مضمون ثقیل، عدم درک و فهم نکات نگارشی و در نظر نگرفتن تفاوت‌های فردی در آموزش بزرگسالان اشاره کرد. در این راستا باید گفت که محتوای آموزشی دوره‌های نهضت به گونه‌ای طراحی شده است که انگیزه لازم را در سوادآموزان ایجاد نمی‌کند زیرا عدم کاربست این محتوا در زندگی شخصی و همچنین حجم و محتوای نامتناسب با نیازها و توانایی‌های سوادآموزان راه را برای اثربخشی دوره‌ها بسته است. این نکته بدان معنی است که در برنامه درسی و محتوای موجود این برنامه، برنامه‌ریزی و پیش‌بینی‌های لازم در حوزه تعیین نیازهای فراگیران و تعیین اهداف واقع‌نگر به صورت مؤثر صورت نگرفته است. مقوله دوم مشکلات آموزشی است. با توجه به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان می‌توان گفت این امر نتیجه اجرای نامناسب دوره‌های سوادآموزی است. در این راستا مفاهیمی همچون عدم نیازسنجی از نیازهای آموزشی سوادآموزان، شیوه آموزشی نامناسب و نبود نظارت و ارزیابی کافی رامی‌توان در زیرمجموعه مقوله مشکلات آموزشی قرار داد. مسائل مورد اشاره رامی‌توان نتیجه نامتناسب بودن برنامه و اجرای بدون دقت آن در نظر گرفت. در برنامه‌های در نظر گرفته شده به نیازهای آموزشی سوادآموزان دقت کافی نشده است و همچنین توانمندی‌های مورد اشاره در برنامه با التزامات سوادآموزان مطابقت چندانی ندارد. در نحوه اجرا نیز آنچه افراد در نظر دارند، این است که مدارس در نحوه اجرا، نظارت و ارزیابی برنامه‌ها دقت لازم را نداشته‌اند و پاسخگویی در این زمینه مشاهده نشده است.

۲. مقوله محوری. با توجه به ویژگی‌های انتخاب مقوله محوری، در این پژوهش، «چالش‌های نهضت سوادآموزی» به عنوان مقوله محوری پژوهش در نظر گرفته شد.

۳. شرایط محیطی (زمینه‌ای). مشکلات مربوط به آموزش دهندگان و سوادآموزان و همچنین مشکلات سیستمی سازمان نهضت سوادآموزی به عنوان مقوله شرایط محیطی تشخیص داده شدند.

مقوله اول از شرایط محیطی، مشکلات مربوط به آموزش دهندگان است. در این ارتباط مفاهیم کمبود انگیزه آموزش دهندگان و نداشتن تخصص مهارت‌های لازم آموزشی و تربیتی مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان بود زیرا در این زمینه به مشکلات این دسته از افراد توجه خاصی نمی‌شود و آنان انگیزه چندانی در زمینه فعالیت در کلاس‌های سوادآموزی را ندارند و نسبت به کار و فعالیت خود بیشتر به عنوان عامل فرار از بیکاری نگاه می‌کنند. این افراد از اینکه در دستگاه‌های آموزش و پرورش توجه چندانی به آنها نمی‌شود، برخلاف سایر معلمان به آنها خدمات آموزشی داده نمی‌شود و قوانین پرداختی آنها با آنچه برای سایر افراد اجرا می‌شود رضایت ندارند و کار خود را برای آموزش و پرورش کم‌اهمیت تلقی می‌کنند. همچنین بنا بر



دیدگاه مصاحبه‌شوندگان بسیاری از آموزش‌دهندگان کلاس‌های نهضت از نظر مهارت‌های تربیتی و آموزشی و اطلاعات راجع به ویژگی‌های آموزش بزرگسالان آگاهی چندانی ندارند و در این زمینه تنها به آنچه خود کسب کرده‌اند اکتفا می‌کنند.

مقوله واسطه‌ای دوم، مشکلات مربوط به سوادآموزان است. بنا بر گفته مصاحبه‌شوندگان، سوادآموزان نهضت سوادآموزی در راستای حضور در کلاس‌های سوادآموزی با مشکلاتی مواجه هستند. در این باره مفاهیم عدم انگیزه در سوادآموزان، عوامل فرهنگی و مشکلات اقتصادی مورد اشاره بود. سوادآموزان انگیزه لازم را جهت حضور در دوره‌های سوادآموزی ندارند و با توجه به مسائل و مشکلاتی که عنوان می‌کنند، خود را از مشارکت در امور سوادآموزی معذور می‌دارند. اما این تنها یک بعد از مسئله است و باید یادآور شد که عدم شرکت سوادآموزان در دوره‌های سوادآموزی تنها به علت علاقه نداشتن آنان به رشد و پیشرفت نیست، بلکه عواملی مانند زمان، مسافت و کارهای روزمره در عدم شرکت آنان یا کاهش اثربخشی دوره‌های سوادآموزی برای آنان دخیل است.

مقوله سوم مربوط به مشکلات سیستمی است. در این رابطه می‌توان اشاره داشت که قوانین و ساختارهای موجود در سازمان نهضت سوادآموزی به گونه‌ای است که نمی‌توان شناخت دقیقی از آنچه در بطن جامعه پیرامون جامعه سوادآموزان رخ می‌دهد به دست آورد. در شرایط حاضر، ساختارها و تعاریف دقیق و مشخصی وجود ندارد و با این وصف نمی‌توان به اهداف عالی دست پیدا کرد. به عنوان مثال نام برخی در سیستم باسواد ثبت شده درحالی که در واقع امر، مدرک تحصیلی دال بر باسوادی آنها وجود ندارد و در حقیقت بی‌سواد هستند. زمانی هم که بر حسب ضرورت یا شرایط جهت یادگیری به مراکز نهضت سوادآموزی مراجعه می‌کنند به دلیل باسواد تعریف شدن در سیستم، نمی‌توانند در دوره‌های سوادآموزی شرکت کنند.

۴. شرایط واسطه‌ای. در این پژوهش مقوله‌های موانع فرهنگی و اقتصادی به عنوان مقوله‌های شرایط واسطه‌ای تشخیص داده شد. موانع فرهنگی در بیانات اکثر مشارکت‌کنندگان به چشم می‌خورد. ضعف فرهنگی، یکی از عوامل واسطه‌ای مهم و تأثیرگذار بر عملکرد دوره‌های سوادآموزی است. در این باره می‌توان به مؤلفه‌هایی نظیر وجود شهروندان غیرایرانی، نگاه جامعه به سوادآموزان و عدم مطابقت فرهنگ علمی مدارس با فرهنگ سنتی سوادآموزان اشاره کرد. در این راستا می‌توان گفت جامعه سوادآموزان ترکیبی است از افرادی که به لحاظ فرهنگی از جامعه نیاز به توجه دارند و این توجه باید همراه با احترام باشد اما سوادآموزان از نبود دید احترام‌آمیز به آنها می‌گویند و آموزش‌دهندگان نیز به عدم پذیرش فرهنگ علمی توسط سوادآموزان در مدارس اشاره می‌کنند. این امر را می‌توان به برخوردهای میان‌فرهنگی ارجاع



داد که از ویژگی‌های تقابل و برخورد‌های فرهنگی مختلف است. این شرایط در کنار وجود شهروندان غیرایرانی که آنها نیز ویژگی‌ها و خصایص فرهنگی خاص خود را دارند موجب شده عامل فرهنگ در دوره‌های سوادآموزی به عنوان یک چالش در نظر گرفته شود.

مقوله دوم، مربوط به مشکلات اقتصادی سوادآموزان است. با توجه به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان می‌توان گفت که سن شرکت‌کنندگان در دوره‌های سوادآموزی که جزء جمعیت فعال کشور به لحاظ اقتصادی‌اند و به واسطه جایگاه خود در خانواده که بعضاً به عنوان سرپرست یا عامل تأمین‌کننده مخارج خانواده هستند، مجبور به درگیری در فعالیت‌های درآمدی و اشتغال‌های متعدد خواهند بود. این شرایط به گونه‌ای است که افراد شرکت‌کننده در دوره‌های سوادآموزی با محدودیت زمانی روبرو خواهند شد. این امر موجب شده است که پیش‌بینی‌های انجام شده از بابت مشارکت افراد در دوره‌های سوادآموزی و برنامه‌های این مراکز با مشکل روبرو شود و مشکلات زیادی را برای مسئولان مراکز، آموزش‌دهندگان و خود افراد سوادآموز به بار بیاورد. از طرف دیگر مدارس نیز جهت اجرای مناسب این دوره‌ها با مشکلات اقتصادی مواجه‌اند زیرا جهت اجرای این دوره‌ها نیاز به امکانات و افراد متخصص است که بنا بر بیان مصاحبه‌شوندگان، مدارس در این مورد با مشکلاتی روبرو هستند.

۵. راهبردها. در این پژوهش، شش راهبرد ارائه شده که شامل اصلاح محتوای درسی برای سوادآموزان، اقدامات قانونی، ارائه تسهیلات به آموزش‌دهندگان، افزایش منابع، امکانات و تسهیلات، اصلاح و تجدیدنظر در دوره‌های آموزشی و اختصاص سیستم پاداش و تنبیه به سوادآموزان می‌شود. راهبرد اول اصلاح محتوای درسی برای سوادآموزان است. بازنگری و روزآمد کردن محتوای کتاب‌های درسی یکی از نیازهای مبرم هر نظام آموزشی به شمار می‌رود. بازنگری، اصلاح و تجدیدنظر اصولی و علمی در برنامه و محتوای کتاب‌های درسی، مستلزم توجه به نقش‌های جدید یادگیرنده در فرایند یادگیری است (مخاطب و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۳). بنابراین تدوین کتبی که براساس نیاز سوادآموزان تهیه و در این کتب محتوایی گنجانده شود ضروری است؛ کتبی که سوادآموزان بتوانند به راحتی با مطالب آن ارتباط برقرار کنند و انگیزه لازم در آن‌ها ایجاد شود.

راهبرد دوم اقدامات قانونی است. در این باره مصاحبه‌شوندگان اظهار می‌دارند که باید قوانین و مقررات موجود مورد بازنگری قرارگیرد و ایرادات موردنظر که مانع اثربخشی دوره‌های سوادآموزی است برطرف شود؛ به عنوان مثال، قوانین مربوط به شرط سنی برای دوره‌های نهضت سوادآموزی به گونه‌ای است که یک فرد پنجاه یا پنجاه و یک ساله نمی‌تواند در این دوره‌ها ثبت‌نام کند یا قانون تفکیک سوادآموزان ایرانی و افغان درحالی که مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که ترکیب دو فرهنگ مختلف موجبات رقابت



سازنده، انگیزه بیشتر، آشنایی با فرهنگ دیگر کشورها را فراهم می کند.

راهبرد سوم، ارائه تسهیلات به آموزش دهندگان است. درباره مقوله مورد اشاره مفاهیمی همچون استخدام آموزش دهندگان، بیمه آموزش دهندگان و معرفی سوادآموزان از طریق آموزش و پرورش به آنها مدنظر مصاحبه شونده گان بود. آموزش دهندگان طی مصاحبه اظهار داشتند که برای اجرای مناسب برنامه های آموزشی انگیزه لازم را ندارند که این به عوامل انگیزشی و اقتصادی آنها برمی گردد. بنابراین جهت جذب بیشتر آنان باید به عامل هایی همچون امتیاز استخدامی و بیمه هایی که از این قشر حمایت می کنند توجه داشت. همچنین در وضعیت فعلی خود آموزش دهندگان باید سوادآموزان را شناسایی کنند و اقدامات لازم را جهت معرفی انجام دهند که این نکته موجب سردرگمی و صرف هزینه های زمانی و اقتصادی برای آنها می شود، اما اگر شناسایی افراد توسط آموزش و پرورش طی فرایند مشخصی صورت گیرد، این امر برای آموزش دهندگان و برنامه های ایشان اثربخش خواهد بود.

راهبرد چهارم افزایش منابع، امکانات و تسهیلات است. نهضت سوادآموزی برای عملکرد مطلوب، نیاز به منابع، امکانات و تسهیلاتی دارد که بتواند نیازهای ویژه سوادآموزان را پوشش دهد به گونه ای که مکان، فضا یا مدارس جداگانه ای به آنها اختصاص داده شود زیرا طبق اظهارات مصاحبه شونده گان به دلیل نبود فضای مشخص برای سوادآموزان آنان را گاهی اوقات به مدارس منتقل می کنند که این انتقال موجبات نارضایتی معلمان و مدیران مدارس می شود و حضور سوادآموزان را مخل نظم مدرسه می داند. با این وصف چنانچه امکانات و تسهیلاتی در خصوص آموزش به سوادآموزان داده شود، چنین مشکلاتی برطرف می شود و سوادآموز با آرامش خاطر آموزش می بیند.

راهبرد پنجم اصلاح و تجدید نظر در دوره های آموزشی است. بنا به گفته مصاحبه شونده گان، دوره های سوادآموزی کنونی دارای مشکلاتی هستند و اجرای آنها بدون اصلاحات مورد نیاز قطعاً اهداف مدنظر آموزش و پرورش را پوشش نخواهد داد. در این باره می توان به انجام نیازسنجی های متناوب، اصلاح نظام آموزشی فعلی سوادآموزی با توجه به تجربیات جدید و قدیم و اصلاح ارزیابی های آموزشی موجود اشاره داشت.

راهبرد ششم اختصاص سیستم پاداش و تنبیه به سوادآموزان است. برای تشویق بیشتر بزرگسالان و حتی جوانانی که فرصت کسب سواد را پیدا کرده اند می توان از سیستم پاداش و تنبیه استفاده کرد به عنوان مثال یک سیستم تنبیهی می تواند بلوکه کردن یارانه ماهانه آنها باشد و یا طبق اظهار نظر مصاحبه شونده گان یکی از سیستم پاداش می تواند این باشد که سوادآموزان مقطع متوسطه را رایگان بگذرانند.

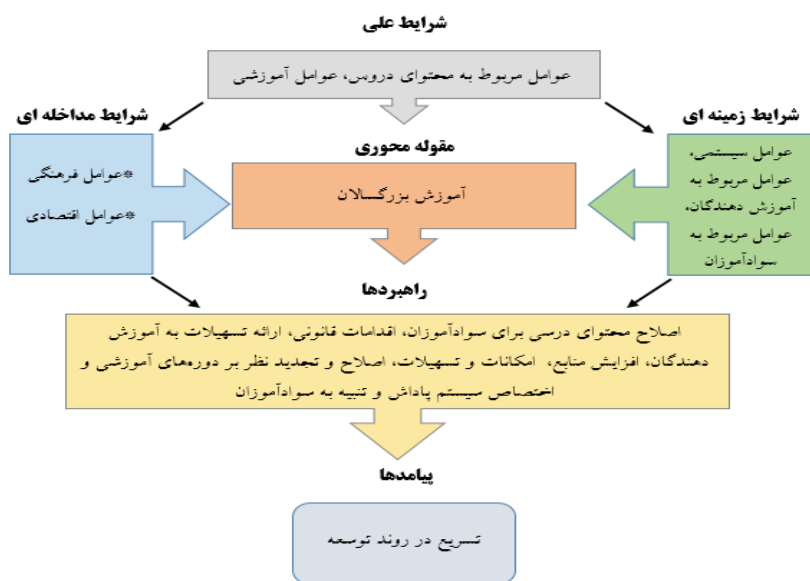
۶. پیامدها. در این پژوهش، مقوله تسریع در روند توسعه به عنوان مقوله پیامدی تشخیص



داده شد. گسترش توسعه زمانی حاصل خواهد شد که همه افراد جامعه بتوانند زندگی با کیفیتی داشته باشند و به اهداف توسعه ای کشور بیندیشند و در آن راستا خود نیز برنامه مناسبی جهت بهبود وضعیت برای خود و فرزندان خود ارائه دهند. از طرفی، آموزش و پرورش نهادی مهم و تأثیرگذار بر خانواده‌هاست و تقریباً می‌توان گفت که همه خانواده‌ها برای رشد خود و فرزندانشان به نحوی به آن نیاز دارند. قطعاً زمانی این نهاد می‌تواند موفق عمل کند که خدمات آموزشی آن کیفیت مطلوبی داشته باشند. بنابراین چنانچه نهضت سوادآموزی قادر به رفع مشکلات پیش روی خود باشد، می‌تواند به دستیابی همگان به زندگی با کیفیت و نهایتاً گسترش توسعه همه‌جانبه کشور کمک کند.

۴. بحث و نتیجه

با توجه به مصاحبه‌های انجام شده و تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، الگوی پارادایمی پژوهش به شکل نمودار ۱ ارائه می‌شود:



شکل ۱. الگوی پارادایمی پژوهش

با توجه به الگوی پارادایمی پژوهش، می‌توان گفت که سازمان نهضت سوادآموزی جهت اثربخشی دوره‌های سوادآموزی خود باید عوامل متعددی را در نظر داشته باشد، برنامه‌های فعلی خود را بازبینی و به عوامل مورد اشاره در برنامه‌ریزی خود توجه کند. مسائل زمینه‌ای، محیطی



و علی از عوامل مورد توجه الگوی پارادایمی به شمار می‌رود که سازمان نهضت سوادآموزی در برنامه‌های جاری خود به صورت جدی بدان عنایت نداشته و این امر از نظر مصاحبه‌شوندگان جزء نکات مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. حتی راهبردهایی که در پژوهش حاضر بدان اشاره شده نیز تحت تأثیر این عوامل خواهد بود چون این عوامل نشان‌دهنده نکات مهمی است که مراکز سوادآموزی در سطح خرد و کلان با آن‌ها روبرو هستند. در این راستا ویژگی‌های اجتماعی اساسی آموزش بزرگسالان باید مورد مذاقه قرار گیرد و فعالیت‌های این سازمان نیز در این زمینه انجام شود (Kalenda, 2015: 1078). به صورت کلی، برنامه‌های آموزشی بزرگسالان که فرصتی را برای آموزش بزرگسالان با توانبخشی و خدمات نیروی کار از زمینه‌های مورد توجه فراهم می‌کند، در جهت تأمین اهداف فردی، استراتژی‌ها و اهداف سازمان باشند (WIOA, 2014: 1)؛ و بررسی مجدد شوند. در واقع برنامه‌ها باید دارای ساختاری متناسب با محل فعالیت‌های افراد باشند. در این زمینه نیز فعالیت‌هایی همچون پشتیبانی از بهبود مستمر، اختیار دادن به استان‌ها برای شناسایی نیاز مناطق، توسعه استراتژی برای رسیدگی به نیازهای موردنظر، بررسی آزمایشی استراتژی‌های مدنظر، ادغام راه‌حل‌ها در برنامه‌ای گسترده و ارزیابی تأثیر استراتژی‌های موردنظر می‌تواند جهت دست‌یابی به اهداف عالی کمک فراوان کند (Udouj et al, 2017: 106). نکته مهم در این زمینه آن است که برنامه‌های آموزشی برای بزرگسالان زمانی پایدار است که محل و اهداف آموزش دوره در دو زمینه کار و آموزش، مشترک و در اهداف کلاس درس گنجانده شده باشند. در واقع آموزش به بزرگسالان در چارچوبی گسترده‌تر از یادگیری سواد خواندن و نوشتن باشد و به تنوع نیازهای سوادآموز توجه شود (Hamilton & Pitt, 2011: 597). البته در این زمینه برنامه ادغام شده سوادآموزی با توسعه حرفه‌ای کار در بسیاری از برنامه‌های آموزشی افزایش یافته است (Althausen, 2015: 210). لیکن باید حمایت بیشتری از آموزش حرفه‌ای ترکیب شده با کارگاه‌های حرفه‌ای شغلی صورت گیرد (Bruce et al, 2015: 210). چون نتایج بسیاری از تحقیقات نشان‌دهنده آن است که بدون تمرکز بر انتقال آموزش در محیط‌های شغلی مرتبط با زندگی تحصیلی و شغلی فرد بزرگسال، کیفیت نتایج آموزش پایین خواهد آمد (Clarke, 2013: 17). نکته دیگر به شرایط خودسوادآموزان برمی‌گردد که در این زمینه نیز باید جهت ایجاد انگیزه در این گروه فعالیت‌های مناسبی صورت گیرد. از این جهت که انگیزه یک عنصر مهم برای یک فرد بزرگسال جهت توسعه فعالیت‌های آموزشی و دیدگاه فرد نسبت به کسب سواد است (Benes, 2008: 5). از سوی دیگر، بسیاری از افراد با هدف دستیابی به اهداف و منافع شخصی در سازمان نهضت سوادآموزی ثبت‌نام می‌کنند. انتظارات این گروه از دریافت خدمات سازمان‌های آموزشی این است که با کسب آموزش، گزینه‌های بازار کار خود را افزایش دهند یا به دلیل



انگیزه کسب احترام اجتماعی و اهدافی از این دست به این سمت روی می آورند (Stenberg, 2016: 72). فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغاتی نیز کمک مناسبی در این جهت خواهد بود و همچنین در این راستا هدف کلی سازمان نیز باید توجه به این نکته مهم باشد که سوادآموزان موضوع کسب دانش جدید و بهبود شرایط زندگی به لحاظ فرهنگی را از چنین برنامه‌های آموزشی درک کنند (Kokkos, 2015: 19). البته فعالیت آموزش دهندگان و توانایی آنان در آموزش این دسته از افراد نیز بسیار مهم خواهد بود که نه تنها باید توانایی خود را برای مدیریت کلاس درس افزایش دهند بلکه این نکته را نیز در نظر داشته باشند که ایجاد و حفظ یک محیط یادگیری که انگیزه یادگیرندگان بزرگسال را برانگیزد، بسیار مهم است (Wahlgren et al, 2016: 305).

بنابراین سازمان نهضت سوادآموزی اگر خواهان پیشرفت و دستیابی هرچه بیشتر به موفقیت در راستای اهداف کلان خود - شامل زمینه‌سازی برای پرورش افراد باسواد، برخوردار از آداب اجتماعی و مهارت‌های زندگی، توانمند در حل مسائل و مشکلات زندگی، علاقمند به کار و تولید و یادگیری مستمر و مادام‌العمر - است، باید در سطوح خرد و کلان به آموزش - دهندگان، سوادآموزان، تهیه منابع و امکانات، برنامه درسی، ساختار سازمان، قوانین موجود و همه عواملی که در تحقیق حاضر به عنوان زمینه‌های آسیب در بدنه نهضت سوادآموزی شناسایی شد توجه کند و اصلاحات ساختاری و محتوایی را در این عوامل و در راستای نیاز استان‌ها مورد توجه قرار دهد. در واقع نظام آموزش و پرورش در جهت اصلاحات برنامه‌های خود، فلسفه اهداف، زمینه فعالیت‌ها و سازمان آموزشی و بازیگران این سیستم را جهت می‌دهد و در این مسیر به اقتصاد بازار، حاکمیت قانون و آزادی فردی توجه می‌کند و همه فعالیت‌ها را به منظور کمک به توسعه اقتصادی و فرهنگی کشور انجام می‌دهد (OECD, 2001:18). به طور کلی می‌توان گفت برای اینکه این سازمان بتواند چالش‌های خود را از میان بردارد و فرصت‌های رشد را برای مجموعه خود ایجاد کند، باید زیرساخت‌های لازم را فراهم کند. برخی از این زیرساخت‌ها با صدور بخشنامه و اختصاص منابع جهت تجهیز قابل رفع خواهد بود و اما عواملی مانند عوامل فرهنگی نیاز به مشارکت همه‌جانبه دستگاه‌های مسئول دارد. در این رابطه نیز آگاهی بخشی و انجام اطلاع‌رسانی و ارزش تلقی کردن این گونه فعالیت‌ها می‌تواند راهگشا باشد.

کتابنامه

ابراهیمیان، هادی و علی کیاسرشت. ۱۳۸۹. سوادآموزی بزرگسالان در جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات سازمان نهضت سوادآموزی.



باقرزاده، علی. ۱۳۹۳. ۲۰ (میلیون بی سواد مطلق و کم سواد در ایران؛ ۳ گروه بیشترین بازماندگان از تحصیل). *خبرگزاری تسنیم*. ۲۳ اردیبهشت ۳. شناسه خبر: ۳۶۷۵۹۵.

خادمی، ملوک، محبوبه السادات کدخدایی و زویا آیام. ۱۳۹۵. «بررسی رابطه بین سبک شناختی و ابعاد انگیزشی، رفتاری و شناختی اطلاع جویی در دانش آموزان مقطع متوسطه». *اندیشه های نوین تربیتی*. دوره ۱۲. شماره ۳. صص ۲۰۲-۲۱۹.

شاوران، حمیدرضا، قربانعلی سلیمی و رضا همایی. ۱۳۸۷. «سنجش عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه اصفهان براساس فرهنگ های چند گانه آنان». *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*. جلد ۲۹. شماره ۱. صص ۱۴۷-۱۶۰.

شایگان، فریبا. ۱۳۸۸. «بررسی عوامل مؤثر بر خواب آلودگی دانشجویان در کلاس درس». *پژوهش های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)*. دوره ۴. شماره ۳. صص: ۳۴۲-۳۶۲.

مخاطب، محمد، مهدی قدرتی و سپیده رضاپورلاکانی. ۱۳۹۲. «تحلیل محتوای شاخص های یادگیری کتاب های آموزشی گروه های مطالعاتی پیگیر سواد سازمان نهضت سوادآموزی». *اندیشه های نوین تربیتی*. دوره ۹. شماره ۲. صص ۱۰۹-۱۳۰.

مهدی زاده، محمد. ۱۳۹۴. «والدین ۷۱ درصد از افراد ترک تحصیل کرده بی سواد یا کم سواد هستند». *خبرگزاری ایرنا*، چهارشنبه ۴ آذر ماه. کد خبر: ۸۱۸۵۴۰۳۶.

- Aksakal, B. Kazu. I. Y. 2015. "Comparison of Adult Education Policies in Turkey and European Union". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. Vol 177. pp: 235 – 239.
- Althausser, K. 2015. "Job-embedded professional development: Its impact on teacher self-efficacy and student performance". *Teacher Development* Vol 19 (2). pp: 210-225.
- Barakat, B. 2016. "Improving Adult Literacy without Improving the Literacy of Adults? A Cross-National Cohort Analysis". *World Development*. Vol 87. pp: 242-257.
- Benes, M. 2008. *Andragogika*. Praha: Grada.
- Bruce, C. D. et al. "The effects of sustained classroom-embedded teacher professional learning on teacher efficacy and related student achievement". *Teaching and Teacher Education*. Vol 26(8). pp: 1598-1608.
- Clarke, N. 2013. "Transfer of training: The missing link in training and the quality of adult social care". *Health and Social Care in the Community*. Vol 21(1). pp: 15-25.
- Creswell, J.W. 2009. *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. Thousand Oaks: Sage.
- Dimitrescu, M. Sărbu, L. V. Lacroix, Y. 2015. "European Trends for Adults Education in Lifelong Learning Strategy: Modern Methods and Romanian Skills in Training Management". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. Vol 180. pp: 1161 – 1169.
- Hamilton, M., & Pitt, K. 2011. "Changing policy discourses: Constructing literacy inequalities". *International Journal of Educational Development*. Vol 31. pp: 596-605.
- Hubackova, S. Semradova, I. 2014. "Research Study on Motivation in Adult Education.



- Procedia - Social and Behavioral Sciences*". Vol 159. PP: 396 – 400.
- Kalenda, J. 2015. "Development of non-formal adult education in the Czech Republic". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. Vol 174. pp: 1077 – 1084.
- Kim, P. Miranda, T. Olaciregui, C. 2008. "Pocket School: Exploring mobile technology as a sustainable literacy education option for underserved indigenous children in Latin America". *International Journal of Educational Development*. Vol 28. pp: 435–445.
- Kokkos, A. 2015. "the challenges of adult education in the modern world". *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. Vol 180. pp: 19 – 24.
- Udoudj, G. Groverb, K. Belcher, G. Kacirekb, K. 2017. an investigation of perceptions of programme quality support of adult basic education programmes. *Evaluation and Program Planning*. Vol 61, pp: 106–112.
- OECD - Directorate for Education, Employment, Labor and Social Affairs Education Committee . 2001. *Thematic review of national policies for education - ROMANIA: Stability Pact for South Eastern Europe*
- Neumark, D. Johnson, H. Li, Q. Schiff, E. 2011 .*An assessment of labor force projections through 2018: will workers have the education needed for the available jobs?*, Report prepared for the AARP foundation by the Public Policy Institute of California.
- Stenberg, A. Westerlund, and O. 2016. Flexibility at a cost – Should governments stimulate tertiary education for adults? *The Journal of the Economics of Ageing*, Vol 7, pp:69–86.
- Wahlgren, B. Mariager-Anderson, K. Sørensen, S. 2016. Expanding the traditional role of the adult education teacher – The development of relational competences and actions. *Teaching and Teacher Education*, Vol, 60 ,pp: 303-311.
- Workforce Investment & Opportunity Act (WIOA)*. 2014. H.R. 803, 113th Cong. (2014).
- UNESCO . 1997. *What is adult education? Fifth International Conference on Adult Education*. Hamburg, July 14-18, 1997. *Adult Learning: A Key for the Twenty-First Century*. pp.1-3.